



سال اول - فوق العاده شماره ۸ اسخبات - سه ۲۵ اسفند ۵۸ - شماره ۵۸۱

اعلام جرم  
مجاهدین خلق ایران  
علیه قانون شکنی و نقض مقررات انتخابات  
به نام خدا  
به نام خلق قهرمان ایران  
"استکارا فی الارض و مکارسی و لایحیق المکراسی الا ماخدا"  
سلطه جویی در زمین و نیرنگ رشت اجر دربارهی خود و نیرنگ ایران محقق  
می شود.  
بقیه در صفحه ۲

فوق العاده  
شماره ۸ انتخابات  
درباره  
اخلاقیات مرتجعین

# اخلاقیات مرتجعین در شب انتخابات

## چه کسانی از استقبال چشم گیر توده ها از صدیق ترین انتقال بیون این میهن به وحشت افتاده اند چرا؟

\*\*\*

### ارتجاع روبه زوال مذبح خانه تلاش می کند با خدشه دار کردن قهرمانان ملی برای حیات خود مفری بجوید

"جهدتوں اللہ و الذین امنوا و ما یحذونہم الا انفسہم و ما یشعرون" (خود را بترسانند و آنچه می ترسند خودشانند) - قرآن مجید  
بر خدا و گروندگان خدعه می آورند و سویکسی کند گوی خود را و می بیند  
مرتجعین. همانها که به جسم جاهد مسعود رجوی که مبارز سنجی های

اصلاحی مربوط به او به حق لزوم اعدام الحجاب شکنی و ارتجاع انداخته است  
تسلی این به اصلاح اصلاحات  
معلوم می شود که مسعود با آوازه همکاری دایره و به همین مناسبت از نام شوکانه رجوی در اسفند ۱۳۵۸ و بی از آوازه گرفته همکاری با مرتجعین است و گویا با همکاری که مرتجعین خود فریاد دارند. در یونانی مسعود یافت می شود و تعلقات برانگیزه و بدون تاریخ از تاریخ های مسعود که در یکی از عالی ترین تاریخ های

## منافقین!



۱- مسعود رجوی

## فرازهایی از دفاعیات مسعود

صلح و سازش، کمک کشورهای بزرگ به کوچک، کلمه ای از قبل صلح من-المللی، تفاهم و سازش مقابل کشورهای و کمک کشورهای قدرتمند به صیقل که در نوشته های رسمی سازمان ملل آمده است و سببهای برای حفظ نظم موجود که در واقع چیزی جز تجاوز عمومی نیست شده است، به صلح، نه سازش و نه تفاهم هیچکدام مطرح نیست.

وقتی اسم مجاهدین برده می شد، اعصاب اینها بهم می لرزید و کنترلشان را از دست می دادند، با این که اغلب در جنگال آنها بودند، این دلیل بر قدرت عقیده و ایمان به حق است. از اسم "مسعود رجوی" وحشت داشتند. از اسم "خیابانی" وحشت داشتند. "پدر لاقانی"

سازند به خود را غریب و به دیگران را - امروز در دنیا دو جناح وجود دارند در یک طرف محرومین، گرسنگان، آوارگان فلسطینی و مارکسی وجود دارند و طرف دیگر اغنیاء، صاحبان نایک فانوم، جاه نعت، ماشین های جنگی و کارخانجات عظیم. بین آنها هیچ رابطه و هیچ تفاهم مطرح

نوحه: با آنجا که ما حقیق کردیم سن کامل ۳ ساعتی دفاعیات مسعود نظیر دفاعیات سایر شهیدای سازمان ما سخته شهیدای بنامگذار، محمدحسین نژاد اصغریدین زادگان و ... (که به سوجه مقامات مسئول طی این نکال علیرغم جسدی تراجمات مکرر حاضر شدند در اخبار سازمان می گذارند، هم در اخبار برجستین است و گویا حزب جمهوری آنها را نیز اخبار خود کرده تا مردم ایران از شهرت های مجاهدین در آن ایام حقیق بی اطلاع نباشند، بهر حال یاردینگر از هر کسی که در این سلکت خود را مقام مسئول بی داند تقاضا می کنیم که متن کامل دفاعیات اصحاب مرکزیت مجاهدین در بنامگذاری ضد خلقی ناه را که هم صیقل شده و هم تفسیرداری شده و هم در بنامگذاریها سبب شده است، با خود سند سازند و ما در اخبار ما بگذارند. ما خود بعد از انقلاب ابتدا به آرتسو رادونولونیزون مراجعه کردیم که گفتند در سخت و زبری است، نخست زوری گفت که در باغ نهران است و جنتیفات محمدهای بعدی نشان داد که باز هم دست حزب جمهوری در کار است.

بهر حال بی مسامت بدیدیم که نرازهایی از دفاعیات مسعود را با بیانی که بلافاصله بعد از اعدام شدن از نزل قلعه ترساند در اینجا بنویسیم. ما این نوحه که در آن روزها از داخل زندان به بیرون پیام فرستادن معادل بود ما استقبال از وحشانه ترین سگدها که مسعود نیز ما آنها را محفل شده و ناوان ارباب با خارج از زندان را به نام و کمال برداخت.

لحظه روی باستان شد بودند، کاتوکی، ملکحسین، ملکفصل، بنده یک لحظه هم اسم رژیم را نمی - آورم. این روزها یک فریب بزرگ به خاطر حفظ تجاوز علیه ناموس کلمات وجود دارد. کلمه ای از قبل ساوی،

## درباره مضمون باصطلاح افشاگری ها!!

ارتجاع با انتشار "منافقین شماره ۱ - مسعود رجوی" چه قصدی دارد؟  
مافق به مفهوم واقعی و قرآنی چیست؟  
چرا درست در آشنای انتخابات مجلس شورای ملی چنین کاری می کند؟  
مسعود رجوی در آن سال که حضرات مفتحوری و سازشکاری میگرداند و با حد اکثر پای میز مذاکره با هوپور و مقدم و قره باغی می جواسنه اند به قول خودشان خون شهید را به نمر! برسانند چه میگرداند است؟  
چه رابطهای میان این افشاگری و استقبال توده های از مجاهدین و مسعود موجود است؟  
ارتجاع انحصار طلب در وضعیت فعلی که توده های از عملکردهای ریاکارانه و سالیس او به شوه آمده اند چرا مذبح خانه به چنین تلاشهایی دست می زند؟  
عملکرد انحصار طلبان ارتجاعی در یکسال گذشته در همدی سطوح چه بوده است؟

چرا و از چه جبر وحشت کرده اند؟  
کدام سازمان انقلابی و متحدا کدام شخصیت ها طی این مدت روزگار ارتجاع را تنگ و سیاه کرده و ماهیت آن را بطور بی گنبر بر ملا کرده اند؟

پاسخ این سوالات و دهها سوال دیگر از این قبیل را به وحدان های بیدار و فکری های هوشیار حلقه های واگذار می کنیم. پاسخ هایی که می تردید هر آدم منصفی نسبت به آن کاملا آگاه و بیباست و تقلا در اینجا مختصرا به مضمون به اصطلاح افشاگری ها می پردازیم.  
اول باید روی این نکته تاکید کنیم که برادر مسعود ما مسعود به گواهی همدی هم زنجیران و برادرانش یکی از بهترین بازجویی های دوران طاغوت را پس داده است. به این معنی که با آمیخته از مقاومت و هوشیاری، یعنی ربرگی انقلابی طی سالها شکنجه و بازجویی مداوم به کمترین اطلاع زنده و به درد بخوری به ساواک داد و نه هم از طریق او توانستند حتی به یک فرد رسیده و کسی را دستگیر نمایند.  
هم بدندان و هم زنجیران مسعود گواهی میدهند که مسعود هیچگاه ضمن ۷/۵ سال زندان از بازجویی و شکنجه در امان نبوده است. حال اینکه بسیاری بقیه در صفحه ۳

## اطلا عیبه ساواک جنایتکار درباره امام خمینی و ... در سال ۴۲

\*\*\*

این فقط مسعود نیست که توسط ساواک و نصیری ها (البته وقتی نمی توانند اعدا می کنند) به سازشکاری متهم می شود بلکه:

## ساواک شاه مدعی است که با امام خمینی و آیت اله قمی و محلاتی نیز به تفاهم رسید، و اطمینان حاصل نمود که آنها برخلاف مصالح کشور قدمی بر نخواهند داشت

وقتی ساواک بحث فشارهای مختلف می توانست کسی را اعدام کند و با وقتی کسانی نظیر امام خمینی از آنجان حمایت و محویت توده های برخوردار بودند که نمی توانستند در حسن نگاهشان دارند. ساواک به خدعه ای جدیدی موشل می بند. خدعه ای ساواک این بود که به مردم وانمود کند شخص مورد نظر با رژیم سازش کرده و با به تفاهم رسیده است. به اطلاعاتی سازمان اطلاعات و امنیت کشور به تاریخ گذشته

مجاهدین خلق ایران کلیه مسائل مربوط به آنها جمات علیه مجاهدین و افشاگری کذائی و اقدامات غیرقانونی در رابطه با انتخابات را با آدرس انبار و نام عاملین آن در اختیار دفتر ریاست جمهوری قرار داد و با خود آقای بنی صدر نیز در میان گذاشتند.  
رئیس جمهوری با ابراز ناراحتی نمایندگان ما را برای پی گیری قضایا به مقامات مسئول معرفی نمود.



# فرازهائی از دفاعیات مسعود

بقیة زلفجاول

## زاهدی و شعبان جعفری گود تاگردند

این بود که سائل به آن روز کسند که نباید کند. ابتدا سوارسنگ آمد ایران و بعد شاهزاده خادم ایرانی و زاهدی و شعبان جعفری با هم کودتا کردند. دیکتاتوری نظامی دیکتاتور شد و سربازان مهربانان آغازند. دگر حسن فاطمی با ۴۰ درجه نت بعد از حمل شکنجههای طاقت فرسا به پای جوفی دار برده شد. کریم پور سزازی زند در برده سوزانده شد. روبره از فرماندهان ترانصد سربازان شد از این پس سبب سزایان از انالاب سخته به ایران سزایر شد. تمام کتکهای خارجی به حر خاور جیر دیگری بود.

یکی از آفاتان دادستان جوابیده است. (خنده حضار) سهرحال از نظر اقتصادی بودی واردات به هفت برابر صادرات رسید. تحت تاثیر سلطه خارجی سورم ایجاد شد نظوری که در سال ۱۳۳۶، ربا ۱۲۰٪ برقرار کرد ولی دلار بالا رفت.

رئیس دادگاه - به کفر حواس مربوط است.

## دست چپاول برای غارت ملت ایران بازمی شود

از ۲۸ مرداد در کتار عدالت می گردیم و بعد از این جریان دست چپاول برای غارت ملت ایران تاز می شود. عواید نفت با آجر دلار صرف تهیه اسلحه و مهمات و حقوق سزایان خارجی می شود. صدها میلیون دلار به جیب شرکت های خارجی می رود آرشین بعد از سازمان برنامه در سال ۱۳۳۹ در روبراه اعلام کرد که صدها میلیون دلار به عناوس مختلف جیب و میل شده است.

و عده شده بود که ایران با پول نفت بیست می شود. ملت ایران فقر و فقر می شوند. ثروت حوا اعصاب کارگران کورم بر خانه ۲۵۰ نفر کشته شدند. در اعتراضات معلوم دگر خاتمی کشته و عده دیگری زند در شدند. فالیس مردم ارتقا درجه یافتند. قائل خاتمی به ریاست شهربانی یکی از شهربانی ها منصب حقوق می خواستند. وقتی رژیم حوا حواسهای قانونی مردم را استور می دهد آما می شود ساک سنت و دست به اسلحه سرد؟

در سال ۱۳۳۶ قانون شکل ساواک از مجلس گذشت. ساواک مامور حفظ امنیت و مبارزه با مخالفین شد. قبل از روی کار آمدن دگر امنی محدود احسان به حدی بود که هر آن احسان اعجاز می رفت. دگر امنی در زمان صدارت خود گفت خرابه را برده اند. جای پنهانند. سپید کتا، رئیس شهربانی علوی مقدم و دگر ابوال فراد بود به محاکمه خوانده شوند. دگر اقبال ۲۴ ساعت قبل از دستگیری کشور را ترک کرد و در مراجع قضائی دادگستری اتهام رده شده. دگر اصل برکت و در نورگرس مرید اقتصادی کشور فرار گرفت. اتهام می رسد و پس می گردند. مثل اینکه کار مملکت حساب ندارد.

## نشانه های احتضار رژیم

آیت الله طالقانی به رائل سعید شد. محکومیت طولی المدت در انتظار داردگان کتب منقاد با منابع رژیم حاکم ایران است. رژیم چارهای جز نتد عمل ندارد. این نشانه های احتضار است. منهنم سیاسی در ساواک و اطلاعات شهربانی، با وحشانه ترین شکنجهها روبرو می شوند. طبق ماده ۱۳۱ هر کدام از مامورین منهنم را برای گرفتن اقرار شکنجه بدهد مسئول است اگر شکنجه به مرگ بیانجامد مامور قائل محسوب می شود. سوزاندن با اجای برقی، کشیدن ناخن، شلاقی سیمی، استعمال بطی نجاور و انواع دیگر شکنجهها از طریق معمول گرفته اقرار در شکنجهگاههای ساواک است. ما از رژیم جز این انتظاری نداریم. به امید روزی که ملت خائنین را به دادگاه بکشاید. مرگ بر آمریکا و امپریالیسم. درود به مردانی که رنج

# فشارهای بین المللی بر ساواک برای جلوگیری از اعدام مسعود

## تقاضای نویسندگان برای آزادی زندانیان سیاسی مشهور

آقای مسعود رجوی، لیسانس حقوق و علوم سیاسی، دستگیر شده در اوت ۱۹۷۱. محکوم به اعدام که تبدیل به حبس ابد شد. او اگر اعلامیاتی مبنی بر طرفداری از شاه منتشر می کرد می توانست آزاد شود اما علیرغم شکنجه های او هیچگاه حاضر به انجام چنین عملی نشد.

آیت الله (رئیس مذهبی و استاد ماوراء الطبیعه) محمود طالقانی، او دوسوم ۲۵ سال اخیر را در زندان گذرانده (از کودتای ۱۹۵۳ تا کنون) سن ۷۳ سال و مبتلا به مرض دیابت است.

بالاخره به مرض دیابت خود به ناه می توانید اضافه کنید که یک عفو عمومی وسیع بیشتر برای او آبرو ایجاد می کند که تحقق هر نوع صنعتی.

LE COURRIER Samedi 25-dimanche 26 février 1978 GENEVE

### APRES UNE INTERVIEW DU CHAH D'IRAN

لتره اووریه ا...  
 Palais de Neuvion  
 Téhéran

مهمه هج شاهدی به هنگام محاکمه، به دادگاه دعوت شده. در حقیقت به گمهی آقای گروه "حرم عقیده" در ایران سازمان داده شده است و داسن عقیده در این کشور حرم است و منهنم بر اساس تعلقشان به گروه های مخالفین مورد قضاوت واقع می شوند که در محکمه ای که وی شرکت کرده یک گروه سلطان جمهورخواه محاکمه می شوند.

## نوشته وکیل دعاوی فرانسه که در دادگاه مسعود شرکت داشت

زورنال دوزنو ۱۸ فوریه ۱۹۷۲

مهاکم ایران علی هستند. آقای گروه وکیل دعاوی: ژنو ۱۷. آژانس تلگرافیک سوئیس. این دادگاهها عمومی وعلنی نیستند. علی بودن آنها دروغ است و چنین چیزی موجود ندارد. این بیانات آقای گروه فرستاده سازمان سوئیس حقوق بشر و کمیسون بین المللی حقوقدانان است که پس از اینکه بازحمت فراوان در تهران توانست در یک محکمه نظامی حضور

خشمگین کردیم. "لیکن آنچه در این لحظات مهم است تجدید عهد با شهادی به خون خفته است که در آخرین دم لبهای نبدارشان را بوسیده و صدای برطنین قلبشان را که جز به خاطر سعادت و آزادی خلق ننشیده است، شنیدم. و متفقا سوگند خوردیم تا پیروزی. "و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون". به زودی ستگران خواهند دید که چگونه آنها را درهم می کوبیم.

۲ تیرماه ۱۳۵۱ - زندان قزل قلعه

## نامه پیش از صد نفر فارغ التحصیل دانشگاه ژنو

نومنه شماره ۲۵ از شهرهای سون، لوزان و ژنو ۲۷ مارس ۱۹۷۲ آدرس سفارت ایران در برن

آقای سفیر، یکشنبه شب در ساعت ۱۹ ما صدای آقای کاظم رجوی همتاگردی سابقان در کوی دانشگاه ژنو را از رادیوی سوئیس شنیدیم. او با اضطراب فراوان محکومیت به مرگ برادر جوان ۲۲ ساله اش را به ما خبر می داد. ما همه از کاظم رجوی خاطرهای علاقه و بستگی به کشورش را حفظ کردیم. به هنگام لرزله در ایران در سال ۱۹۶۸ او خیلی از وقتش و همجنین ترویجش را صرف فسروش و جمع آوری وجه به نفع قربانیان کشورش نمود. در آن موقع وی رئیس اتحادیه دانشجویان کوی دانشگاه ژنو بود.

آقای سفیر ما از شما تقاضا داریم با دخالت خود از علیحضرت پادشاه ایران بخواهید که برادر جوان رجوی را مورد عفو قرار دهد.

بیتن از صد امضاء

Me Grobet: «Les procès de Téhéran ne sont pas publics»

Geneve, 17 - (A25) - Le caractère public de ces procès est faux. Inexactant: après avoir pu assister à grand peine à quelques auditions d'un procès politique à Téhéran, j'est ce qu'a affirmé jeudi à son retour à Genève Me Grobet, envoyé comme observateur en Iran par la Ligue suisse des Droits de l'Homme par la Commission Internationale de Juristes (C.I.J.).

مهمه هج شاهدی به هنگام محاکمه، به دادگاه دعوت شده. در حقیقت به گمهی آقای گروه "حرم عقیده" در ایران سازمان داده شده است و داسن عقیده در این کشور حرم است و منهنم بر اساس تعلقشان به گروه های مخالفین مورد قضاوت واقع می شوند که در محکمه ای که وی شرکت کرده یک گروه سلطان جمهورخواه محاکمه می شوند.

دادگاه خلق

سوگند خوردیم تا پیروزی. "و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون". به زودی ستگران خواهند دید که چگونه آنها را درهم می کوبیم.

۲ تیرماه ۱۳۵۱ - زندان قزل قلعه

مهمه هج شاهدی به هنگام محاکمه، به دادگاه دعوت شده. در حقیقت به گمهی آقای گروه "حرم عقیده" در ایران سازمان داده شده است و داسن عقیده در این کشور حرم است و منهنم بر اساس تعلقشان به گروه های مخالفین مورد قضاوت واقع می شوند که در محکمه ای که وی شرکت کرده یک گروه سلطان جمهورخواه محاکمه می شوند.

بقیه از صفحه ۲

# درباره مضمون باصطلاح افشاگری ها!!

رایعا - موضع سازمانی محمد حنیف در راس مرکزیت سازمان همان دوشنبه شب اول شهریور در ضمن گروهی سازماندهی که از جیب رضاشانی در پلکان خانه حیابان گلشن (محل سکونت مسعود و محمد حنیف) افتاده بود برای ساواک روشن شده بود و به همین دلیل چنانکه در پرونده محاکمان شهید ناصر صادقی و سعید محسن موجود است، ساواک هیچ گمبندی نسبت به شناسایی محمد حنیف نداشت. و در این تاریخ عکس و مشخصات کامل محمد حنیف در سراسر کشور در دست حتی هر مأمور راهنمایی نیز موجود بود. حال اینکه برتجنین به اصطلاح افشاگری می خواهند نشان بدهند که گویا ساواک برغم اینکه حدود ۱۵۰ تن از مجاهدین را در این تاریخ در جنگ خود و زیر وحشیانه ترین شکنجه ها داشته و اسوه مدارک آنها را هم داشته، اصلا و ابدا از محمد حنیف اطلاعی نداشته است و حتی قدوقاره او را هم مسعود برای ساواک گفته است!

و این همان طرز عمل ارتجاعی ابلهانه است، که تنها یک ابله تر از خود حضرات را می تواند گول بزند در گذشته نیز دیده ایم که این آقایان مردم را ابله می دانستند و فکر می کردند به نام اسلام و قرآن و انقلاب و امام حرکتی می توان کرد و هر چیزی را به خورد مردم داد! آخر وقاحت هم حدی دارد! و به خدا سوگند که اینان با کتاب خدا نیز چنین می کنند. البته به نظر ما عیب کار نه در بلاغت بلکه در خیانت است و اعتیاد درازمدت به عوام فریبی و انسان را مثل گوسفند لایشر تصور کردن، والا حضرات خوب می دانند که محمد حنیفی که از سال ۳۸ در ساواک سابقه دارد و عکس و شناسنامه و مشخصات کامل او در خانه مسکونی اش وجود داشته (به خصوص که آن موقع حنیف نژاد فراری نبوده) و همه دوستانش را هم گرفته اند، کسی نیست که با معرفی قد و رنگ چشم توسط مسعود لو رفته باشد. مخصوصا که در همان فردای اول شهریور همه سوابق و مشخصاتش را رادیو بغداد هم اعلام می نمود. و انبوهی حضرات انحصارگر مدارک ساواک که خود همچون افعی بطور انحصارطلبانه روی مدارک ساواک خوابیده اند و به اصطلاح نقطه ضعف های بازجویی مسعود را هم افشا کرده اند! بقید پرونده ها و گردن حنیف نژاد در چه ساعتی و چطور و از چه طریق برای ساواک مکتوف شده است مضاف بر اینکه اگر ذرات وجدان می داشتند، می بایستی از مسعود تحلیل می کردند که علیرغم تمام اطلاعاتش از حنیف نژاد، علیرغم اینکه ساواک می دانند که هم مسعود و هم حنیف نژاد اعضای مرکزیت سازمان هستند، هنوز هم در تک نویسی مصراست که:

حنیف نژاد از افراد بالا بود (نمی نویسد مرکزیت) و "به دلیل انتقادات (موجهی) که پیش آمده بود سعی داشت مسئولیت نپذیرد... تا اگر خدای ناکرده محمد دستگیر شد ساواک به خاطر تکمیل مسئولیتی محمد بلکه خام شود و فشار زیاد به او نیارود.

بد نیست این نکته را هم بدانید که خود شهید حنیف نژاد بعدها در سلول گفته بود که تنها کسی که در بازجویی به من کمک اساسی کرد مسعود بود. به این معنی که مسعود با جسارت و زیرکی فوق العاده سرنگهبان را کلاه گذاشته و از بند خود به بهانه ای اسهال در سحر ماه رمضان همان سال سه شب پیاپی به بند محل استقرار محمد حنیف (سلول نوزده ردیف وسط اوین) رفته و سرانجام در شب سوم محمد را در تالانت پیدا نموده و در داخل یک شکلات همه چیزهایی را که تا آن تاریخ در مجموع ساواک می دانست و نمی دانست به محمد داده بود.

در خاتمه بگذارید محض نمونه یک برگ از اسناد ساواک در مورد مسعود و موسی را در زندان منتشر کنیم. البته ناگفته نماند که مرتجنین که کل اسناد ساواک را در اختیار داشته و دارند هزار تا بیشتر از اینش را هم دارند و حتی فرمان کشتن مسعود را در داخل زندان (ولی خوب چه می شود کرد، انتشار آن صرف نمی کند ولی مادر همین شماره یکی دو نمونه از آن را فقط به خاطر نشان دادن خبث طبیعت ارتجاع بر ملا می کنیم.

## اظهار نظر مجاهد قهرمان مجید معینی سمبل مقاومت و شگنجه در مورد شگنجه های مسعود

واقعا عظمت این بازجویی پس دادن در این بود که آدم این طرفت ها را بداند. فشار آتشد زیاد بود که وقتی سونبه کوچک را بگویم. وقتی مصطفی با ۸ نفر دیگر شهید شد معنی ها می رفتند زیر شکنجه تا دم مرگ هم می رفتند و تا یک دفعه هم سبوس می شدند. و اطلاعاتشان هم خیلی بالا نبود. بازجو می فهمید که این حرف ندارند. ولی کسی که حرف داشتند و می خواستند آنها را نگه دارند، خدا می داند که حمل این حرف ها جگر می کرد. یعنی نگهداشتن این حرفها، آنکسی که نداشت می رفت می خورد و برای بازجوها مشخص می شد ولی کسی که حرف داشت، این خیلی سخت بود. مثلا خود مصطفی وقتی شهید شد، من خوشحال شدم از اینکه مصطفی از شر شکنجه و اسبمه حرفها- بی که، اطلاعی که داشت راحت شد. معمولا سبیهائی که اطلاعات داشتند، چنانکه در مورد کاظم این احساس بهم دست نداد ولی در مورد مصطفی این احساس به من دست داد یک روز در رابطه با خود مسعود، این مقدمه ای بود که برویم در آن مصداق بار چهارشنبه، پنجشنبه او آخر هفته بود یکبار رفتم پهلوی محمدی بازجویی، رفیقمان، دیدم رسولی آمد پیش او و به او گفت: محمد رفیق را آوردیم، محمدی گفت رفیقم کیه؟ گفت مسعود رجوی را، این دفعه آوردن مسعود افتاده بود به رسولی. هفته بعد که این هفته گذشت، هفته بعد که



Sa Majesté impériale le Shah d'Iran  
c/o Son Excellence  
l'Ambassadeur d'IRAN  
Kirchenfeldstrasse 30  
3000 BERNE

# فشارهای بین المللی بر ساواک برای جلوگیری از اعدام مسعود

عفو بین المللی در سراسر جهان صدها هزار کارت پستال برای ممانعت از اعدام مسعود برای شاه ارسال نمود. بوجه می دهیم که این سازمان بدون ورود در مابیت سیاسی تقاضا صرفا اقدامات انسانی و حقوقی برای ممانعت از اعدامها انجام می دهد. یک نمونه از این کارت پستالها را که از سراسر جهان میل آنا به سوی شاه سرازیر شد تا او را برای اعدام نکردن مسعود تحت فشار بگذارد منتشر می کنیم. در یک رو عکس مسعود است و در روی دیگر تقاضای عفو بین المللی از شاه. معمولا عفو بین المللی از این روش برای آزادی یا ممانعت از اعدام شخصتهای رندایی در کشورهای مختلف جهان استفاده می کند، که یک موردش هم در مورد مسعود است.

Massoud RADJAVI, licencié es sciences politiques, arrêté en août 1971, condamné à mort à l'âge de 21 ans par un tribunal militaire; peine commuée en prison à vie par Sa Majesté le Shah d'Iran. Trois chefs d'accusation: participation à:

- 1) tentative manquée d'enlèvement d'un prince iranien,
- 2) détournement manqué d'un avion-taxi,
- 3) appartenance à un groupe d'opposition.

Selon les autorités militaires et la presse iranienne, les deux tentatives manquées ont eu lieu en septembre 1971. Or, RADJAVI était déjà en prison depuis août 1971!

Il est donc un prisonnier d'opinion adopté depuis 1973 par Amnesty International.

Nous demandons à Sa Majesté le Shah un acte de clémence en libérant Massoud RADJAVI, clémence qui annoncerait ainsi l'ère de la libération de tous les prisonniers politiques iraniens.

Amnesty International

مسعود رجوی ۲۱ ساله در ۱۹۷۱ دولت ایران دستگیر شد. او را در ۲۱ سالگی به اعدام محکوم کردند. اما در سپتامبر ۱۹۷۱، شاه ایران حکم اعدام او را به زندان برای همیشه تبدیل کرد. او از آن زمان در زندان است. او را به دلیل شرکت در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۵۰ و تلاش برای فرار از زندان در ۱۹۷۱ متهم کرده اند. او همچنین به دلیل تلاش برای فرار از زندان در ۱۹۷۳ متهم شده است. او در ۱۹۷۳ به زندان بازگردانده شد. او در ۱۹۷۳ به زندان بازگردانده شد. او در ۱۹۷۳ به زندان بازگردانده شد.

# یکی از اقدامات بین المللی بعنوان اسباب فشاری بر رژیم شاه خائن

این جواب نامه ای است که آقای هامون وزیر سابق ژنرال دوکل و وزیر اطلاعات و سخنگوی دولت زرزیمیدو نوشته است. در این نامه او متذکر شده است که رژژ بمبیدو شخصاً و دوسانه از شاه تقاضا کرده است که از اعدام مسعود صرف نظر کند.

لئو هامون  
وزیر اسبق  
۱۲ کوچه گلستر  
پاریس ۷۵۰۱۳  
دکتر عزیزم!

من به وفاداری حافظه شما و یاداری شکرانان بسیار خالص بودام. در واقع در سال ۱۹۷۲ وقتی من جزو حکومت بودم، شما رئیس جمهور و خدتن از ورژا محمله خود من نوشته و تقاضا کرده بودید برای نجات برادران ستمی ایران که در آنجا توفیق و محکوم به اعدام شده بود اقدام کنیم. من از شما خواستم به دفترم سائید و در آنجا دکترین دولت فرانسه را برایتان شرح کردم: دخالت نکردن در امور داخلی ممالک خارجی به منظور احترام اصل عدم دخالت. ولی انجام دائم اقدامات سیاسی شخصی و استناد و سستی به منظور احترام اروپای غیر قابل ترسیم. این کار و این تقاضا را برای برادر شما ما از شاه کردم. سپس از نجایستان بسیار متعوف شدم. اکنون برادر شما در زندگی سیاسی شرکت می کند. شما گذشته را به خاطر دارید، ما هم آرزو کنیم که آینده جاشی برای تجدید روابط فرهنگی فنی و سیاسی دو مملکتمان باقی گذارد.

دکتر عزیزم خواهشدم بهترین احساسات را بیدرید. امضاء لئو هامون

مخارج ملیون ها نسخه افشاگری علیه مجاهدین از کجاست تا مین می شود؟ سهم امام؟ جهاد و سازندگی؟ بنیاد مستضعفین؟ یا کمک های مردم ناآگاهی که فی سبیل اله به شما پول داده اند؟

انقلابیون و نیروهای انقلابی راستین ایران اجازه نخواهند داد، با چنین شیوههائی افشاگری واقعی و انقلابی علیه سازشکاران و شرکای گوناگون رژیم طاغوتی لوث، مبتذل و بی ارزش شود.

افشا شود و آتوفت آدم به عمق دلالی طرف مقابل که می داند که خودش که خودشان چپ اند و این بازجویی ها به چه تنگی بوده، بدون شک بی خواهد برد، حالا با این بحثها که کردم و فضائی که در دستان آمد که بازجویی ها در چه فضائی بوده آنوقت در کنارش بگذارید و در توضیح دادن در دادگاه که هنوز برای مردم جمله ای را که آقای طالقانی راجع به مسعود گفته، بعد آن موقعی که بازجویی ها تمام می شود، ما تمام این فشارها دفاع مسعود در دادگاه که هنوز است، همین حضرات دفاعیاتی را که در پرونده ها بوده وحشت دارند بدهند، چون دفاعیات مسعود کامل که نیست نکته است، با بطور ناقص منتقل شده که تازه آن موقع چندر کار کرده....

خط سازمان در آن اوائل در باز

# اخلاقیات مرتجعین در شب انتخابات

لکن نقش داریم که انبار نیز خدمتگاران و سربازان با خدا و خلق بهمان جزیر خودشان را کلاه نمی‌گذارند. بنابراین در این شماره مختصری در کم و کف تضاد و جدوی انسانی و غامضی سقوی آن توضیح می‌دهیم تا در فرصت بعدی به شرح مفصل تر برسیم.

## گزارشی از نحوه تدوین و انتشار

در تدوین کتاب حسن موسوی سردیسرورنای جمهوری اسلامی نقش فعال داشته است. محمدصابری (مدیرفعلی دبیرستان ریزمان) با شرکت همگرا برای ایدان کتاب رابطه دارد. حدود صد هزار نسخه در منزل شخص مابری وجود داشته است. آدرس: میدان امام حسین خیابان شهرستانکی پلاک ۲۴۶- مدرساعمل شرکت همگرا حاج علی تقیعی است که در بنیاد مستضعفین نیز کار می‌کند و در راه جرجیل معروف است. در شرکت فوی فردی به نام محمدی سردیسرورنای رابطه فعال است.

افراد مجاهدین خلق ایران به سادگی می‌توانستند در همان شب پخش ناجوانسردی‌های حزب جمهوری، مانع کار آنها شده و همه عاملان توطئه‌گر را می‌توانستند دستگیر کنند. اما... اما ما با رشد آگاهی خود خلق معتقدیم تا دیگر هیچ زمینهای برای عملگردها چاقو و تیغ کش و فتنه‌گریز باقی نماند.

## مچ گیری از حزب ارتجاعی

گزارش رسوای یک ملیت‌ساز هوسار دانش‌آموز به نام ج. به سازمان داده است که عملاً جاب می‌کند. ملیت‌ساز تهران که از حزب ارتجاعی حین ارتکاب جرم مچ‌گیری کرده است. محضاً برای شهادت در دادگاه سزا دادگی دارد.

بسم الله الرحمن الرحیم

ما در روز ۱۳ اسفند ماه در ساعت دو بعد از ظهر به همراه شم مدرسه برای تبلیغات مجلس شورای ملی در منطقه خود مسئول به تبلیغات شدیم. من در سم در قسمت صحت و نظارت - سرکار جدها بودم. نادر یکی از اعضای سم به من گفت که دو نفر که نام صحبت می‌کردند، یکی به دیگری گفت که حزب اعلامیای منتشر کرده در رابطه با افشاکاری مسعود انتشار داده است و در تمام منطقه سارازان اعلامیه پخش شده است و فرار است امت هفت تهران حساسه و جسی بود. من به سرپرست سم گزارش دادم. سرپرست سم گفت که من با دو جرحه در حزب رفتم و اعلامیای اگر هست بگیرم. من به دفتر حزب واقع در اطراف بهارستان مراجعه کردم اول مسئول حزب گفت که ما این اعلامیه را نداریم و فقط اعلامیه‌های تبلیغاتی است. من دوباره اصرار کردم و چند اعلامیه از حزب که در حین من بود نشان دادم و گفتم که اندازه این است بعد مسئول حزب به من اطمینان کرد و گفت که مدتی سیر کنی من حدود پنج دقیقه صبر کردم و بعد که اتفاق جلوت شد گفت ما من به داخل اطاق رفتم بعد در کمدی و از همان اول که این اعلامیه را به من داد هی تأکید می‌کرد که به کسی بگویم که حزب منتشر کرده است و من برای ظاهر هم که شده مدارای اعلامیه تبلیغاتی خواهم ولی مسئول حزب می‌خواست که به من بگوید که حتی به نزدیکترین دوست خود هم نگو که اعلامیه را از حزب گرفته‌ای و به من پیشنهاد کرد که سسر آریا را حساسه و من اعلامیه‌ها را گرفته و به مسئول سم دادم.

## فشارهای بین‌المللی... چهار زندانی سیاسی محکوم به اعدام

تربسوی دوزخو جمعه ۲ ژوئن ۱۹۷۲: سوبالست‌های زبوا آیدن شاه ایران را (به زبوا) محکوم می‌کنند. زبوا (آزاس بلگرافیک شوش)، در قطعنامه‌ای مربوط به حضور در آینه شاه ایران در زبوا حزب سوبالست زبوا ابرار "تغیر می‌نماید از تصمیم سازمان بین‌المللی کار - که ناعدا می‌باید از حقوق کارگران دفاع نماید - مبنی بر دعوت شاه که حیانت‌ناش قابل ستایش نیست." به منظور محکوم موضع حزب سوبالست زبوا به حصول اعلام می‌کند که کسانی که با "دیگناوری شاه مخالفند تقریباً هر روز اعلام می‌شوند و اگر چه فاجادحیان کوچک اعدام می‌شوند ولی در عوض کشت خشکاش وسیله‌ی دولت شتوبی می‌شود دولتی که به این ترتیب از یک وضع انحصاری برخوردار است.

درباره یک نامه سرگنده به شاه: در نامه سرگنده‌ای که روزنامه ما در شماره ۲۹ می خود منتشر کرد یک کسبه شوشی دفاع از زندانیان سیاسی ایران نقضای عفو چهار زندانی سیاسی محکوم به اعدام را که در بین آنها شخصی به نام رجوی بود، کرده بود. لزوم به یادآوری است که محکومیت این شخص معنی مسعود رجوی تبدیل به جیس اید شد. این خبری است که از تهران بخاره شده است (به تربسوی زبوا بیسم آوریل مراجعه شود.)

**Les socialistes genevois réprouvent la visite du chah d'Iran**  
Genève, (ATS). — Dans une résolution relative à la prochaine visite du chah d'Iran à Genève, le Parti socialiste genevois (PSG) « s'indigne de la décision de l'Organisation internationale du travail, chargée en principe de la défense des travailleurs, de faire venir à Genève un homme dont », affirme le PSG, « les crimes ne se comptent plus ».  
A propos d'une lettre ouverte au chah  
Dans une lettre ouverte que notre journal a publiée le 29 mai, un Comité suisse de défense des prisonniers politiques iraniens a imploré la grâce de quatre condamnés à mort, parmi lesquels il cite un nommé Radjavi. Or, ce dernier, Massoud Radjavi, a vu sa peine commuée en emprisonnement à vie, ainsi que l'a d'ailleurs annoncé une dépêche de Téhéran. (Tribune de Genève du 20 avril).

تقیه‌ارصحنه‌اول

## چند نمونه از افراد مراکز و نحوه پخش جزوه

### منافقین شماره (وا) فشاگری علیه مسعود رجوی

محمد احمدی بی‌پارک توسط فردی به نام حلال - معازره‌ی کسان ابزار بورس بیخ و بهره - حیسانان بود - جمهوری جنب بیله سوروزجان - حیسانان با عیسیا لار - مقابل جلوکسانی جوان - داخل کوجه در مقابل محافی - مغری - پختن برای شهرستان هانوبط حزب جمهوری و انحصارها می‌باشند که در برخی نهادها هم رابطه دارند صورت می‌گیرد. رشتن انجمن اسلامی رشت - اهواز، افراد وابسته در جهاد سازندگی - ساخنان نوساز حزب جمهوری - کما در رودی - اطالی شماره ۱۵۵ - سرچشمه - مسئول انتشارات شخصی به نام شاکری است.

مخبرالدوله - کوجهی نوشین آخر کوجه دست راست حاجا نهی ایران کرانک تلفن ۳۱۲۳۳۹ یکی دیگر از مراکز انتشار است مدیر چاپخانه فردی است به نام فرهادی هم چنین حسین کمالی (که کاندید حزب جمهوری نیز هست) منحصات ماشین‌هایی که کتابها و جزوات را سیروی می‌آوردند حبیب لندور ۲۸۴۶۲ زان سعید ۵۱۹۹۲ بیگان سعید ۴۳۱۵۶ تهران آلف داسون غرمز ۳۱۹۹۹ فسات ۸۷۱۴۶ سلیرر ۱۱۴۵۷ تهران ۲۴ اویل سعید ۱۸۶۴۶ بیگان زرد ۱۲۳۵۲ آهوتیوهای تهران ۳۳۲۷۱ تهران ۱۱ - دفتر شماره ۱ حزب جمهوری حیسان ویلا - محمدی مسئول کل تبلیغات حزب شخصاً "در کندن اعلامیه‌ها و پوسترها می‌حاف هدی و جساندن با اصطلاح افشاکریها شرکت داشت - بیگان خاکسری رنگ ۶۲۳۴۵ و بزوز ۷۳۹۱۱ تهران ۲۲ - سرازما موران حمل جزوه‌ی منافقین بودند. - صدها هزار نسخه از کتاب و افشاکری با اتومبیل های سواری به شهرستان ها حمل می‌شود.

## علیه مسعود

صبح پنجشنبه ۲۳ اسفند (بوجه گفتند که مطابق اخلاق اسلامی هرگونه فعالیت انتخاباتی در این روز قبل از احیای مسعود بوده است.) یک اتومبیل مردای باری نا دارند. آبی به شماره ۲۹۲۳۵ مطور از جزوه های افشاکری از چاپخانه طوطی آزادی واقع در پاسار به سمت خانه‌ای در فرج آباد رالده. حیسان سم کوجه کلاسی تهران سو روانه و وارد کوجه دست راست شد و وارد کارگاه داخل می‌شود.

## افشاکری علیه مسعود در آغاز انتخابات ریاست جمهور

افشاکری‌هایی که در آستانه‌ی انتخابات مجلس شورای ملی علیه مسعود منتشر گردانید، در آغاز انتخابات ریاست جمهوری نیز آمده‌ی جاب بود. خلاصه‌ی بسیار ردیفانه‌ای از آنپاس از دفتر مهندس حمران در پاسخ تحقیق وزارت کشور در مورد سوابق کاندیدانها به وزارت کشور - سال شده بود که طی آنها می‌خواستند

تقیه‌ارصحنه‌اول

## اعلام جرم مجاهدین خلق ایران علیه قانون شکنی و نقض مقررات انتخابات

حسوتان عزیز، مردم آزاده‌ی تهران! مطابق قوانین قراربود که ۲۴ ساعت قبل از آغاز انتخابات هیچ تبلیغاتی برده یا علیه هیچیک از نامزدها به عمل نیاید. همچنین برخاست توصیه‌های صریح شخص امام که به رعایت اخلاقیات اسلامی سفارش کرده‌اند، نمی‌بایست به هیچ حرکت ناخوانوردانه‌ی ضد اسلامی دست زده می‌شد. لیکن از آنجا که مرتجعین انحصارطلب به اسلام پای بندند و نه عهده و قانون و وجدان و شرف می‌بینند، حساس‌المعول با پشت پا زدن به همدی صوابط و قوانین حتی در ۲۴ ساعت ماقبل انتخابات نیز به اقداماتی از قبیل آنچه ذیلا اشاره می‌کنیم دست یازیدند.

۱ - گردانندگان رادیو، که از روزهای پیش نیز با ردیفانه‌ترین بیانات شرف زبان و جواهران انقلابی این مبین را مورد هتک و توهین قرار داده بودند، چندین بار خبره‌ی ارتجاعی و رشکرده‌ی چماقداران - هرکس که رای نداده، حق نظر ندارد - را تلویحاً رسیده نموده و بار دیگر ثابت نمودند که حتی به دستورات و توصیه‌های صریح شخص رئیس جمهوری نیز واقعی نمی‌گذارند. ۲ - یک حزب معلوم الحال، در مواجبه‌ی نفرت و اشتراک گسترده‌ی نوده‌ای از انحصارطلبی و ارتجاع با چاپ میلیونها سقوی با اصطلاح افشاکری و ستحواز جویده‌های ساواک و ارتشید نصیری، قصد آن کرده است تا با ساواکی جلوه دادن صدیق‌ترین فرزندان خلق، هم سوابق سنگین و پرندامت و سیاسی‌گویی خود را بیوشاند، و هم در حمایت قاطع مردمی از شجاع‌ترین فرزندان خلق ایجاد تردید کند. از این حیث لازم دید به که به اطلاع خلق قهرمانان و به خصوص مردم تهران برسانیم. ۱ - سرچشمه‌ها و غاملین و مراکز چاپ و پخش با اصطلاح افشاکری فوق را شناسایی نموده و به اطلاع مقامات مسئول و شخص ریاست جمهور رسانیده و در اولین روزهای پس از انتخابات به اطلاع مردم نیز خواهیم رساند. ۲ - مضامین این به اصطلاح افشاکری‌ها، کذب محض بوده و جز یک حیله‌ی ناجوانمردانه و صدحقیق در آستانه‌ی انتخابات نیست. گواه این مطلب این است که این چهره‌ی انقلابی که مرتجعین و حزبشان قصد مححوش کردن آن را دارند حتی جزئی‌ترین اطلاعات سیز در زیر شدیدترین شکنجه‌ها به دزخیمان ساواک نداده. و همین بس که پدر طالقاسی در حقیق فرموده است، که سارحوها و دزخیمان حتی از نام او نیز وحشت داشته‌اند.

۳ - ما بلافاصله پس از انتخابات صحت و حقیقت این امر را با شرح کامل جزئیات در معرض قضاوت مردم‌مان قرار داده و ارتجاع "رتخا حیر گونه" را تماماً در این رابطه رسوا خواهیم نمود. تا روشن شود که از سر هم‌بندی آگندیب و عوام‌فریبی و شیادی هیچ طرفی نمی‌توان ست. ۴ - بدیهی است که مرتجعین سقده به این خاطر در شب انتخابات به پخش ردیفانه‌ترین اتهاماتی که قبل از هرکس خود شایستگی آن را دارند، اقدام نموده‌اند که از یک سو بر افکار عمومی تاثیر گذاشته و از سوی دیگر مجاهدین خلق ایران فرصت انتشار و پخش رسمی و علمی و ام بردن از اشخاص و تشریح قضایا را (در حین مسوعیت قانونی ۲۴ ساعته) نداشته باشند. لیکن ما بازم به حکم تاریخ و به حکم قرآن تکرار می‌کنیم که کید حیانت پیشگان شهابتا جز به زبان خود آنها نخواهد بود و نخواهد توانست سازشکاری و سیاسی‌بندی خود را در درگاه حدایگان آریامبرانه این وسیله بیوشانند.

مجاهدین خلق ایران ۵۸/۱۲/۲۲

به طور خصوصی درجائی گفتم است: "به سرحه، از بالا دستور این کارها را می‌دهند!" بهرحال چون خلاصه‌های مزبور به دست آقای موسوی خوشی هم که رئیس کمسیون نظارت بر تبلیغات ریاست جمهوری بود رسیده بود، مسعود شخصاً سساله را با موسوی در میان گذاشت و اعتراض نمود. البته آقای خوشینی در پاسخ



امروز ملت ایران گواهی می‌دهند که: ۱- حزبی که مدعی رفتن در خط امام و تلقی آمریکا به عنوان دشمن اصلی است در عمل دشمن اصلی را مجاهدین خلق تلقی نموده و در سراسر یکسال پس از انقلاب هم غم اصلی خود را صرف هجوم و تریتیت چماق دارو به اصطلاح افشاکری! علیه مجاهدین کرده است.

افشاکری‌هایی که در آستانه‌ی انتخابات مجلس شورای ملی علیه مسعود منتشر گردانید، در آغاز انتخابات ریاست جمهوری نیز آمده‌ی جاب بود. خلاصه‌ی بسیار ردیفانه‌ای از آنپاس از دفتر مهندس حمران در پاسخ تحقیق وزارت کشور در مورد سوابق کاندیدانها به وزارت کشور - سال شده بود که طی آنها می‌خواستند

